

## ده سال از خاموشی رفیق آلبرت سهرابیان گذشت!

چهره سرخ، شادمانه و خندان آلبرت، ده سال پیش در یازدهمین روز ماه سپتامبر از میان ما رفت. روزی که کودتای ژنرال پینوشه علیه دولت ملی سالوادور آلنده و حمله القاعده ایها دوقلوی نیویورکی را با سه هزار نفر از مردمانش به خون نشانده بود و مرگ، آلبرت ما را هم از ما گرفت. آلبرتی که در تمام زندگیش برای اتحاد کارگران و متشکل شدن کارگران تلاش کرده بود. کارگری که در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم سالها، حبس در زندانهای شاه را تجربه کرده بود. انقلابی شریفی که در هوشی مین و آلنده و جرج حبش و ویتنام و ویت کنگ و فلسطین و مبارزات مردمی در جهان علیه سلطه و نابرابری خود را پیدا میکرد. کمونیست شریفی که با لیخندها و لطیفه های همیشگی اش، سختی و تلخی دوره های سخت را برای همزمانش اسان میکرد. انسانی که با همه این تجربه های طولانی و سخت، آلبرت کفاش، آلبرت کارگر، آلبرت کمونیست و انترناسیونالیست باقی ماند. آلبرت مرد زندگی بود و به تجربه دریافته بود که راهی طولانی و سخت در پیش است. او میدانست که این راه بدون روحیه ای قوی همراه با صبر، متانت، آزادگی و رفاقت نمیتواند به پیش رود. او علیه جداسریها و فرقه سازیها و انشعابهای ویرانگری بود که چپ ایران را از تاثیرگذاری بر روند مبارزات اجتماعی باز میدارد.

آلبرت در باره زندگیش گفته بود که در کودکی پدر و مادرش را از دست داده بود و او ناچار شد از شش سالگی به عنوان شاگردکفاش شروع به کار کند. او از سیزده سالگی فعالیت خود را در سازمان جوانان حزب توده آغاز کرد و به بزودی به کروژوک ها پاهسته های کمونیستی داخل حزب توده پیوست. هدف کروژوک ها به رهبری باقر امامی آموزش کارگران رزمنده برای ایجاد حزب کمونیست متشکل از کادرهای کارگری بود. پس از اخراج کروژوک ها از حزب توده و تاسیس سازمان شورا، آلبرت از جمله اعضای تشکیل دهنده این سازمان بود که به خاطر فعالیت در سازمان شورا دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. پس از رهائی از زندان در سازمان یکا و سپس ساکا که مضمون اصلی فعالیت شان کار در میان بخش های مختلف طبقه کارگر و آموزش و عضوگیری کادرهای کارگری بود به فعالیت پرداخت. همزمان با فعالیت های حزبی آلبرت همراه همفکران خود در فعالیت های صنفی برای ایجاد سندیکای کارگران کفاش فعالیت می کرد. سندیکای کارگران کفاش به همت آلبرت سهرابیان و سایر هم زمان او توانست بیمه کار را در این بخش از طبقه کارگر معمول کند. با دستگیری ساکا توسط ساواک شاه در سال 1349 او که از اعضای کمیته مرکزی ساکا بود به شش سال زندان محکوم شد و قبل از انقلاب از زندان آزاد شد.

انقلاب 57 و برآمد جنبش بزرگ اجتماعی کارگران و زحمتکشان به آلبرت آزاد شده از زندان ستم شاهی فرصتی داد که با جنبشی که چندین دهه مبارزه کرده پیوند دهد. اما شکست انقلاب 57 و برآمد رژیم اسلامی و ضد کارگری، شرایط اجتماعی و سیاسی را بمراتب سختتر و اسفبارتر از پیش کرد. برای او تغییر شرایط مانع ادامه مبارزه اش برای سازمانیابی کارگران نبود. رفیق آلبرت به فعالیت های خود در این دوره نیز ادامه داد. اما با گسترش سرکوب فعالین سیاسی در دهه خونین 60 و برای فرار از پیکرد و دستگیری ناچار شد از ایران خارج شود. فعالیت های آلبرت در خارج از کشور در شکل "کارگر تبعیدی"، ایجاد برنامه رادیویی به عنوان تربیونی برای فعالین کارگری و نیز تلاش برای ایجاد صندوق کمک به جنبش کارگری ایران که متکی بر جمع آوری کمک های مالی از فعالین چپ و کارگری خارج از کشور باشد، ادامه یافت. آلبرت سهرابیان همچنان مانند همیشه در کنار فعالیت های کارگری خود فعالیت های حزبی خود را به عنوان یک کادرکارگری کمونیست ادامه داد. از کنگره اول سازمان تا مدتها عضو کمیسیون مرکزی نظارت و شکایات سازمان بود. در طی همه دوران فعالیت تشکیلاتی، آلبرت از مخالفین قاطع و همیشگی فرقه گرانی و مدافعین سرسخت اتحاد نیروهای چپ برای تقویت جنبش کمونیستی و کارگری بود.

صمیمیت، از خودگذشتگی، اعتقاد و تعهد عمیق به اخلاق کمونیستی، خوش بینی به آینده و به پیروزی جنبش کارگری علیرغم همه شکست ها و سختی ها از ویژگی های شخصیت آلبرت بود که او را رفیق و هم رزمی محبوب در میان رفقا و همکاران کارگرس ساخته بود. در

کتاب خاطرات خود که برای دفاع از فعالیت های رفقای هم رزمش به رشته تحریر درآورد، امید به آینده و اعتقاد به پیروزی جنبش کمونیستی و کارگری، موج می زند

با درگذشت آلبرت سهراییان ، راه کارگر و جنبش چپ ایران، یکی از مبارزان فداکار و خستگی ناپذیر خود و جنبش کارگری ایران نیز یکی از رهبران کمونیست برخاسته از درون طبقه کارگر، یکی از فعالان برجسته و قدیمی جنبش سندیکائی و یکی از پرتجربه ترین و آگاه ترین کارگران را که طی شصت و چهار سال در مبارزات سیاسی و صنفی آبدیده شده بود را از دست داد.

نه مشقات زندان؛ نه سختی های بی حساب دوران تبعید در غربت؛ و نه سرانجام دست و پنجه نرم کردن با مرگ، نتوانست ذره ای در باور استوار آلبرت به خودرہائی کارگران و در تلاش او تا آخرین لحظه حیات در این راه، خللی وارد آورد. در دهمین خاموشی آلبرت ، ما همچنان در کنار همسر و هم‌رزم همیشگی اش سیرانوش سهراییان ، همه یاران و هم‌زمان آلبرت برای امیدها و آرزوهایش در رزمیم و یادش همواره در رزم پرشکوه طبقه کارگر برای آزادی و سوسیالیسم با ما خواهد ماند.

علی دماوندی